

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: یوسف صداقت

۲۴ اکتوبر ۲۰۱۴

به پورتال نامور و محبوب مردم «افغانستان آزاد – آزاد افغانستان»

تمنيات نیک و آرزوی موفقیت های باز هم بیشتر و بیشتری را به تمام دست اندر کاران فهیم و فرجاد پورتال وزین تقدیم می نمایم.

امروز سیری داشتم در عالم فیسبوک ، مطالب زیاد برای خواندن در صفحات آن دیده می شد ؛ همچنان ویدیو کلیپ هائی بسیار جالب و آموزنده و آگاهگرانه از جمله اعلامیه «سازمان انقلابی افغانستان» توجهم را به خود معطوف داشت . لازم دیدم از بحث هائی که در صفحات فیسبوک پیرامون اعلامیه «سازمان انقلابی افغانستان» باز شده کاپی برداشته آنهمه را از طریق پورتال پر خواننده تان در معرض دید و داوری خوانندگان ارجمند و هموطنان عزیز و برادران ایرانی مبارز و آزادیخواه قرار بدهم . در خاتمه از گردانندگان متبحر و قلم به دستان و همکاران قلمی شان تقاضا می نمایم تا به متن و محتوای نهایت مهم این بحث توجه نموده در زمینه آن ابراز نظر نمایند که کیها محق اند و کدام ها تعبیر و تفسیر و ارزیابی ذهنی خود را به جای واقعیت های عینی و ملموس در شرایط اشغال و کشتار و غارت و خدعه و دفع الوقت نمودن های می نشانند . یوسف صداقت ۲۲ اکتوبر

متون درج شده ذیل در فیسبوک :

۶ shares

[Jawed Ahmadzai](#) به نظر من کم سواد، وقتی اسم سازمان تان را انقلابی گذاشته آید، پس بهتر بود که در ساحه عمل نیز دست به کار شده و حداقل با راه اندازی يك اکسیون ولو كوچك هم كه شده بود، باید پشتیبانی تان را از مردم مبارز کوبانی اعلام می داشتید. صرف با تحریر يك اعلامیه روی کاغذ فکر نکنم زیاد مؤثر واقع شود.

با عرض ادب

جاوید احمد زی

دیروز ساعت ۱۷:۲۶ -

□

[Eshq Azadi](#) اکسیون را سازمان ها و احزابی که در دولت پوشالی راجستر اند، به راه می اندازند، زیرا می خواهند اعضای خود را به دولت پوشالی افشاء نمایند. سازمان انقلابی در شرایط کنونی به مبارزه زیر زمینی باور دارد و کار علنی را سرپوشی برای کار سوسیالیستی می داند، نه این که هست و بود خود را با اکسیون ها برای دولت پوشالی و اشغالگران به نمایش بگذارد. احزاب و سازمان های زیادی در سطح جهان فقط به یک اعلامیه بسنده کرده اند، آیا آنان غیرانقلابی اند؟ منظور شما از عمل همین اکسیون هاست؟ چرا سازمان رهائی و سازمان های چپ دیگر حتی اعلامیه ندادند، اکسیون را در جایش بگذار؟ آیا آنها انقلابی نیستند؟

16 ساعت

□

[Jawed Ahmadzai](#) دوست عزیز چرا اینقدر عاصی شدی؟

اعلامیه تان هم تا جایی که من از آن برداشت کردم و آن را خواندم، تکرار همان جملاتی بود که در سایت های دیگر و از طرف احزاب و نیروهای دیگر بارها پیش از نوشتار شما به رشته تحریر درآمده و به خوان مردم آزادیخواه دنیا داده شده بود. ولی جان سخن اینجا نیست که شما مبارزه زیر زمینی ویا هم سر زمینی می کنید، ومرا به احزاب دیگر چه ربطی که به گفته شما چنین و چنان می کنند !!!

فکر می کنید که احزاب و سازمان های دیگر چپی در دنیا مگر کار زیر زمینی ندارند؟ ولی با آنهم در برابر تجاوز امپریالیزم و ایادی ناپاکشان که همانا نیروهای سیاه ارتجاعی داعش و امثالهم اند از افغانستان گرفته تا ایران، سوریه، کردستان، ترکیه، اروپا، امریکا، امریکای لاتین، کانادا و خلاصه تقریباً در تمامی کشور های جهان همبستگی خود را از مبارزان کوبانی و نفرت و انزجارشان را از امپریالیزم و سگهای عارشان ابراز داشتند.

پس این همه احزاب و نیروها باید به خیابان ها بیرون نمی شدند، تا اعضای خود را افشاء ننمایند. به نظر من که عضو هیچ گروه و حزب و تشکیلی نبوده، ولی با همه شان که افکار خود را در آنها بیابم همکاری و همدلی دارم، از آن جمله در بسا موارد با نظرات شما نیز مخالف نمی باشم، در اینجا همان ضرب المثل وطنی خوب می افتد که گویند؛ دستم به آلو نمی رسد، آلو ترش است.

با عرض ادب و پوزش

جاوید احمد زی

□

[Eshq Azadi](#) عزیز دل، در کجا متوجه شدی که من عاصی شدم؟ این که بگویم سازمان ها و احزاب راجستر شده در دولت پوشالی؟! همین؟! این نظر من است و هیچ ربطی باید به عاصی شدن نداشته باشد. شما تشریح نمائید که این احزاب انقلابی اند و اگر در دولت پوشالی عکس و آدرس و شماره تلفون اعضای خود را ثبت کرده اند، حرفی ندارد و این شیوه مبارزه ما است. سازمان هائی که در کشورهای دیگر اکسیون ها را به راه انداخته اند، با شرایط اشغالی کشور ما تفاوت می کند. در اینجا چهل و چند کشور به سرمداری امپریالیزم امریکا با ده ها هزار جاسوس حضور دارند. هر کدام وظیفه دارند تا انقلابیون را شناسائی و در وقت ضرورت همه را از دم تیغ بکشند. چنان که رژیم خمینی بعد از انقلاب اسلامی به چپ ها میدان داد و بعد با یک برنامه حساب شده، همه را جمع کرد. مبارزه زیرزمینی اصل مبارزه چپ را در شرایط کنونی می سازد، نه مبارزه سرزمینی که شما پیشه نموده اید. این به نظر من امر نادرست در امر انقلاب است. برای به راه انداختن هیاهو و تبلیغ نباید تمام هست و بود خود را روی بازار کرد. اگر شما فکر می کنید، شیوه ای را که شما اختیار کرده اید، درست است، من حداقل آن را درست نمی دانم و این ترس در دلم کاشته می شود که فردای انقلاب را نمی توان با افشاءگری امروز آباد ساخت. باید از هر دو شیوه به شکل

معقول کار گرفته شود. آیا شما فکر نمی کنید وقتی اکسیون در شهر کابل یا شهرهای دیگر به راه انداخته می شود، مخصوصاً از سوی کسانی که خود را مخالف نظام و حضور خارجیان در افغانستان می دانند، تمام نیروهای امنیتی آخرین تلاش خود را به خرج می دهند تا تصویر تمام جریان را ثبت نمایند و بعد یکایک را تشخیص دهند؟ این که ما این مسایل را از جاهای دیگر گرفته ایم، شاید، ما بارها از لنین و مارکس و مائو هم نقل می کنیم، آیا کار نادرستی انجام می دهیم؟ شما از کجا گرفتید؟ آیا در کوبانی حضور داشتید؟ ببین دوست عزیز، مشکل همینجاست که هر کس خود را ناف زمین و زمان می داند. ما اعتراف می کنیم که بلی، ما برای این که فهم خود را از وضعیت کوبانی بالا ببریم، مطالب و نوشته های دیگران را مطالعه کردیم. آیا این کار بدی است که از مبارزه کوبانی حمایت کردیم و همبستگی خود را با آنان ابراز داشتیم؟ این شاید شیوه کار ما نباشد که به اکسیون دست بزنیم و فقط به یک اعلامیه بسنده کنیم. از هر طریق ممکن باید به دفاع از مبارزه به حق کوبانی پرداخته شود، خواه اکسیون باشد و خواه اعلامیه یا یک جمله.

□

[Jawed Ahmadzai](#) دوست فیسبوکی عاشق آزادی، در گفتار تان ضد و نقیض وجود دارد، یعنی از يك سو مدعی می شوید که از برآمدن به خیابان ها باید جلو گیری صورت بگیرد، چون سازمانهای امنیتی کشور و فرا کشوری از آن تصویر برداری نموده و بعداً در حذف آنها کوشاء خواهند شد! ولی در کشور های دیگر به غیر از کشور خود ما را مثنیٰ قرار می دهی، مگر آنها تخنیک و تکنالوژی تصویر برداری وجود ندارد که در کشور ویرانه ما تنها رائج می باشد؟!

به هر صورت نمی خواهم وقت گرانیهای شما و دوستان دخیل در این مبحث را ضایع کنم، ولی صرف همین قدر می گویم که می توانستید حداقل با پوشش ظاهری تان حد اقل يك شعار را در دست گرفته و پشتیبانی تان را عملاً از خلق مبارز کوبانی ابراز می داشتید.

باید متوذهای تلفیق مبارزه علنی با مخفی را آموخت و به کار گرفت که متأسفانه از جانب شما چنین تلفیقی صورت نگرفت که باز هم مربوط به خود تان می باشد، و شما می توانید هزار و يك دلیل و برهان بیاورید و خود را تبرئه نمایید، این حق را دارید و کسی هم آن را از شما سلب نکرده، و اعلامیه نیز اهمیت خود را دارا می باشد.

باز هم طبق معمول با عرض ادب

جاوید احمدزی

□

[Nazeer Delsoz](#) با احترام به رفیق های مبارز ؛

یکی از عواملی که هزاران شعله ای توسط پولیس سیاسی دولت کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و دولت دست نشانده سوسیال امپریالیزم شوروی دستگیر و شکنجه و به اشکال مختلف به قتل رسیدند توجه و تمرکز رهبران «جریان دموکراتیک نوین» به کار علنی و رفتن پای تریبونهای سیار و ثابت در تظاهرات و در ... بود (می شد که بنا به رهنمود لنین یکی دو تن حرفه ئی به چنین کاری گمارده می شدند ، نه اکثریت کادر ها) . ارتجاع و اطلاعات دولت ظاهر - داوود وظیفه شناسائی شعله ئی ها را در دستور کارشان قرار داده بودند. توسط جواسیس شوروی در قالب ازبک و تاجیک و... افغان به خصوص جواسیس در نقش خبر نگار و ژورنالیست، عکس هر یک از سخنرانان و کادر ها و هواداران این جریان پر افتخار حضور یافته در تظاهرات را می برداشتند و به نهاد های اطلاعاتی تحویل می دادند. مثال های زیادی در زمینه وجود دارد که در این تتگنا نمی گنجد. زمانی که دولت وابسته کودتای ثور مالک «ضبط احوالات» شده بود، به وضاحت می توان گفت که هویت بالاتر از ۹۰ درصد مبارزان شعله ئی را در اختیار داشت .

احزاب انقلابی (کمونیستی) زمانی می توانند کار علنی را با کار مخفی تلفیق دهند که از میان انقلابی های حرفه ئی معهود خود ، یکی دو تن آنان را که کاملاً مخفی و ناشناخته اند، وارد میدان کار علنی و سازماندهی برای تظاهرات و اکسیون ها، چه در خیابان ها و سرکها، چه در فابریکات و چه در... نمایند . اینجا بحث بالای احزاب و نهاد های علنی و قانونی نیست. برای چنین نهاد ها و احزاب زمینه تبارزات و تظاهرات دهها بار بیشتر از کار مبارزاتی احزاب و سازمان های مخفی کمونیستی میسر است. من طرفدار بحث پیرامون چنین مسایل در فیسبوک نیستم . مسایل طرح شده را می توان در یک فضای کاملاً مصون باز نمود که طرفین بتوانند گپ های تا کنون ناگفته را وارد بحث نموده راه های حل آن را دریابند . ما در این صفحات هر قدر قضایا را عمیقتر بشکافیم همان قدر به ضرر ما تمام شده به جنبش صدمه می زنیم ؛ در واقع خود ما به پای خود تیشه می زنیم.

من هم مانند سایر انقلابی های نسل پیشین صد سینه سخن درمورد جنبش کمونیستی کشور دارم که طرح آن را در این جا جایز و اصولی نمی دانم . در همین مختصر می خواستم از حضور خود و یک تن از کادر های بالائی سازمان رهائی اینک، در سالهای اخیر دهه چهل (حین که تظاهرات در شهر کابل جریان داشت) بنویسم که « شاکر » (این عامل دربار شوت شده درمیان «جریان دموکراتیک نوین») چگونه در مقابل «پل باغ عمومی» سمت شرقی لیسه عالی حبیبیه بالای غرفه ترافیک برآمده در رابطه با « ارزش اضافی » مارکس برای جوالی های زحمت کش وسایر مردم «غریب کار» که در آن محل گرد آمده بودند ، سخنرانی می نمود . من می خواستم نزدیکتر برویم تا صحبت های «شاکر» را خوبتر شنیده بتوانیم ؛ رفیق رهائی که بامن بود ، نظر داد که نزدیک نشویم (البته نظرش اصولی بود) من از نوشتن متن نظرش در اینجا خود داری می نمایم . به همین سبب جریان حضور مان و گپ و گفت مان را در آن روز را به طور مفصل و به اصطلاح «بینه به بینه» در این صفحه ننوشتیم و نباید هم بنویسم

. به آرزوی وحدت دیالکتیکی نیروی های واقعاً کمونیستی ضد اشغال کشور توسط امپریالیزم جنایتگستر و غارتگر امریکا، بحث را در این زمینه خاتمه داده آرزوی موفقیت برای مبارزان کشور می نمایم . دلسوز ۲۲ اکتوبر ۲۰۱۴ « چه باید کرد » و « بیماری کودکی چپ روی در کمونیسم » را بار بار باید خواند!



□

[Akhgar Jawidan](#) نظر رفیق دلسوز را در زمینه کاملاً تصدیق می نمایم، در شرایط کنونی بر همه نیروهای مترقی و مبارزان مبارزه طبقاتی لازم است خود را حفظ کنند! موفق باشید رفقاء!

□

[Mahmood Shadab](#) رفقای عزیز بگذار کسانی را که به خاطر منافع مردم نی بلکه برای مهم جلوه دادن خود و اکت های روشنفکرانه که جزء ایدئولوژی خرده بورژوائی شان است، اکسیونها به راه اندازند. ما یک بار در زمان حاکمیت نوکران روس، خلقی ها و پرچمی ها، توان علنی گری خود را پرداختیم بدون آن که برای مردم کاری انجام داده باشیم با خون خود پلیگون ها را رنگین ساختیم. رفیق مائو تسه دون در باره پراتیک درس خوبی برای کسانی که می خواهند بیاموزند می دهد « انسان پس از مواجه شدن با شکست درس می گیرد، ایده های خود را برای انطباق با قانونمندی های دنیای خارجی تصحیح می کند و بدینسان می تواند شکست را به پیروزی بدل سازد، این حقیقت در ضرب المثل های " شکست مادر پیروزی است " و " ضرر آدمی را عاقل می کند "... کسانی که از علنی گری هائی که به قیمت جان صد ها انقلابی پاکباز تمام شد درس نمی گیرند، هیچ نیروئی آن ها را عاقل ساخته نمی تواند.

ندای مردم رفقاء و دوستان عزیز، تاریخ خونبار و پُر فراز و نشیب جنبش چپ افغانستان را که به بهای خون هزاران کمونیست و انقلابی تمام شده همه شاهد هستیم. از آن جریان نیرومند شعله جاوید که احزاب رویزیونست خلق و پرچم و یا اخوان که خود را در مقابلش خرد و کوچک و یا نا توان می دانستند، حرکت قابل ملاحظه و نیرومندی به مشاهده نمی رسد. چندان حزب راجستر شده در وزارت عدلیه دولت پوشالی که خود را منسوب به جریان شعله جاوید یا بقایای آن می دانند، بعضاً در قطار نهاد های "جامعه مدنی" اکسیون هائی را به راه می اندازند و دار و ندار خود را که چند صد نفری بیش نیستند از ولایات جمعاوری کرده و به اصطلاح به میدان می کشند، حتا در حرکت های ماجراجویانه ای که به راه انداختند، چند عضو بلند پایه حزب شان بعد از دستگیری و توقیف یک روزه دوباره رها شدند، اینان با حرکت های پروژه ئی شان می خواهند وانمود سازند که نیروئی هستند و عناصر و افرادشان مانند آقای "جاوید احمدزی" آگاهانه یا نا آگاهانه سازمانهای انقلابی را که مبارزه مخفی و اصولی می کنند چلنج می دهند که اگر نیروئی هستند مانند خودشان به اصطلاح به میدان آمده و دست به حرکت های علنی بزنند. اگر از این آقایان پرسیده شود شما که اینجا و آنجا اکت و ادای انقلابیون و کمونیست ها را در می آورید چرا دهن و زبان احزاب تان در مورد سوسیالیزم و کمونیزم بسته شده و مبارزه ضد امپریالیستی و طبقاتی را کنار گذاشته اید و اگر می گوئید نه خیر ما انقلابی و کمونیست هستیم بفرمائید اسنادی ارائه کنید که در طی چند سال اخیر سازمان یا حزب سیاسی تان چند سند بیرون داده است که بیانگر فعالیت های کمونیستی تان باشد.

اکسیون های تان برای نجات زحمتکشان کشور از زیر ستم امپریالیسم و فئودالیزم چقدر مؤثر تمام شده است؟ کار عمده تان در شرایط فعلی چیست؟ دوستان و دشمنان تان کیها هستند؟ آیا مبارزه طبقاتی می کنید یا خیر؟ هرگاه شما توانستید چند پرسش بالا را با ارائه اسناد سازمان یا حزب تان پاسخ دهید، خوب؛ در غیر آن در مقابل سازمان انقلابی افغانستان که به تمام سؤالهای فوق الذکر اسناد واضح و روشن ارائه نموده است و در داخل افغانستان با تمام دشواری ها و دشمنان طبقاتی مبارزه اصولی و طبقاتی می نماید سرتعظیم فرود آورده و به کار اقتصادی تان مصروف باشید.

یادداشت:

از این که حین ویراستاری، اصلاحات املائی و انشائی زیادی در نوشته آقای «احمد زی» به وجود آمده، امید بر ما ببخشایند، چه خلاف نوشته های سایر نویسندگان که روش املائی و انشائی شان با آنچه پورتال آن را معتبر می داند، در تطابق نسبی با پورتال قرار داشت، نوشته آقای «احمد زی» نیازمند اصلاح بیشتر بود.

اداره پورتال AA-AA